

زیبایی، کیلویی چند؟

مشکل بینی بزرگ دارم. خودم را می‌گویم. هر چقدر به خودم می‌گویم سادگی، زیبایی است جواب نمی‌دهد و این گونه است که می‌شوم مشتری پروپاقرص کلینیک‌ها و مطب‌های زیبایی که خودش یک گزارش میدانی پرجاذبه است: مطالبه زیبایی تا کجا پیش می‌رود؟



مشکل بینی بزرگ دارم. خودم را می‌گویم. هر چقدر به خودم می‌گویم سادگی، زیبایی است جواب نمی‌دهد و این گونه است که می‌شوم مشتری پروپاقرص کلینیک‌ها و مطب‌های زیبایی که خودش یک گزارش میدانی پرجاذبه است: مطالبه زیبایی تا کجا پیش می‌رود؟

در یکی از کلینیک‌های زیبایی خیابان میرداماد منتظر ملاقات دکترم؛ یکی از بهترین جراحان زیبایی. خانمی تقریباً 35 ساله هم منتظر است. مشخص است تازه جراحی کرده، چهره‌اش هنوز رنجور است. نمی‌تواند بنشیند.

وقتی در مورد جراحی‌اش می‌پرسم، می‌گوید: عمل لاغری انجام داده‌ام. ابتدا تصور می‌کنم حداقل ده کیلو کم کرده است، اما توضیحاتش صدای گفت‌وگوی درونی‌ام را قطع می‌کند و می‌گوید: 67/5 کیلو وزن داشتم، ولی بیشتر سلولیت بود. جراحی کردم و الان 64 کیلو هستم.

در ذهنم همه می‌شود و ناخودآگاه شروع به محاسبه می‌کنم. او وقتی برای ویزیت داخل اتاق می‌رود، همراهش می‌گوید برای این جراحی 23 میلیون پول داده است! با یک حساب سر انگشتی به این نتیجه می‌رسی که اندکی کمتر از کیلویی شش میلیون هزینه لاغری شده است و البته هفت ساعت خواب خوش بیهوشی...!

حضور پررنگ مردان در بورس زیبایی

یکی دیگر از روش‌های رایج در اعمال زیبایی برای یافتن پزشک بامهارت، شخم زدن اینترنت است. تا جزئی‌ترین اطلاعات را می‌توانی در این دنیای به ظاهر بی‌صاحب مجازی بیابی، از اخلاق و رفتار منشی‌ها، نحوه رفتار پزشک چند ثانیه قبل از بی‌هوشی، هزینه‌های جراحی و خیلی چیزهای دیگر؛ البته پزشکان هم خوب کاسب شده‌اند. برخی‌شان آدم استخدام کرده‌اند که وظیفه‌اش این است با آیدی‌های مختلف در فروم‌ها و چت‌روم‌ها از مهارت و اخلاق و اسوه بودن آقای پزشک بنویسد.

بخش گالری وبسایت پزشکان یکی از پربازدیدکننده‌ترین بخش‌هاست. ورق که می‌زنی حضور پررنگ مردان در انواع جراحی‌ها - که به عنوان موفقیت آورده شده است - اگر نگوییم شانه به شانه زنان، در بسیاری موارد کم از زنان ندارد؛ بویژه در جراحی‌های لیفت، پلک و رینو پلاستی هم که همچنان جای خود دارد.

حضور پررنگ مردان را باورم نمی‌شد تا وقتی در مطب پزشکان بارها مردان و پسران جوان را پابه‌پای زنان و دختران یافتم. در یکی از مطب‌ها، آقای با سن بالاتر از 50، جراحی بینی کرده بود و مرد سالمندی هم برای لیفتینگ پیشانی آمده بود.

دهانش بسته نمی‌شود!

بد نیست کمی از میدان ونک فاصله بگیریم و به سمت باغ فردوس و تجریش برویم. ساعت از هشت شب گذشته است که به مطب یکی از پزشکان برند می‌رسم. تاکنون نام پزشک برند را نشنیده‌اید. خب این هم واژه جدیدی است که در مدت زمان مطب‌گردی زیبایی به لغتنامه ذهنم افزوده‌ام. پس از ملاقات حدود ده دکتر، دیگر با درصد خطای قابل پذیرش در مهندسی می‌توانم بسادگی معادله پیچیده تعداد ارباب رجوع و مدت زمان انتظار را محاسبه کنم. انبوه حاضران در مطب ساعت 10 را به من نشان می‌دهد، حداقل دو ساعت انتظار... .

کمی کتاب صوتی گوش می‌کنم، ولی راه‌حل، گفت‌وگو با بیماران حاضر است. حدیث سخن با یکی از زیبارویان می‌گشایم. براستی صورتش زیباست. خودش می‌گوید بخش مهمی از زیبایی‌اش حاصل جراحی است، ولی همزمان از مشکل فک شکوه دارد: چانه‌ام خیلی کوتاه بود. زیبایی صورتم خودش را نشان نمی‌داد، به همین دلیل همراه جراحی بینی، فکم را هم جراحی

کردم. هفت ساعت بیهوش بودم ولی چه حاصل. معلم ناموفق بود. دهانم بسته نمی‌شود. ببخشید ولی در محل کارم خیلی وقت‌ها نمی‌توانم آب دهانم را کنترل کنم... خواب شبم نابود شده است. به سبب این که دهانم بسته نمی‌شود، دائم زبانم خشک می‌شود و نمی‌توانم بخوابم... اصلا حس خوبی ندارم... و حالا برای ترمیم آمده‌ام پیش این دکتر. می‌گویند کارش خوب است.

هنرنمایی هنرپیشگان ترکیه در مطب‌های زیبایی

در همان مطب، خانم دیگری حضور دارد. او نیز بسیار زیباست. مشخص است به طبقه متوسط تعلق دارد همراه با همسر و فرزندش به مطب آقای دکتر آمده‌اند. از کرج طی مسیر کرده و خود را به دامنه‌های البرز در نزدیکی میدان تجریش رسانده‌اند. در حالی که با آنها سخن می‌گویم، نگاهی به انبوه چراغ‌های روشن شمال تهران دارم که دیگر مشخص است تا دل کوه پیش رفته‌اند.

خانم جوان اتفاقاً بینی کوچکی دارد، فرمش هم تقریباً بی‌اشکال است. از گوشی خود یک عکس نشانم می‌دهد. تصویر یک هنرپیشه و خواننده ترک است. اسمش را نیز به من می‌گوید که در خاطرم نمانده است. ته چهره‌اش به خانم هنرپیشه شباهت دارد و حالا زن جوان فقط سودای آن دارد که کامل شبیه او شود. حاضر است در تمام هزینه‌های زندگی صرفه‌جویی کند و به یکی از گران‌ترین پزشکان تهران پول بپردازد تا به آرزویش برسد.

و باز هم داستان ادامه دارد. همین خانم پیش از این یک بار توسط آقای پزشک ویزیت شده، عکس هنرپیشه را هم به آقای دکتر نشان داده و آقای دکتر به او گفته اگر می‌خواهد شباهت کامل پیدا کند باید عمل ترمیمی - زیبایی فک انجام بدهد. حالا شما تصور کنید، خانمی که جراحی فک ناموفق داشته در یک صندلی نشسته است، من در میانه نشسته‌ام و خانمی که رویای هنرپیشه ترکیه را دارد نیز کنار دست من است. چراغ‌های شب در تهران می‌درخشند. هر سه نفرمان در صندلی‌های نیمه ننوی مطب آقای دکتر خیلی آرام جلو و عقب می‌رویم و به یکدیگر نگاه می‌کنیم. هنگام انتخاب کردن است و چه انتخاب سختی... زیبایی... سلامت... تغییر... جذابیت... مطمئنم آن که رویای هنرپیشه ترک دارد بیش از همه به تردید مبتلا شده است.

زیبایی سبک زندگی

در مطب‌گردی‌ها یک نکته خیلی برایم نمود کرد: نبود تناسب. به عنوان مثال تزریق چربی که این روزها حدود ده میلیون تومان آب می‌خورد در بسیاری موارد حاصلش این است که صورتی به گردی توپ ساخته و پرداخته می‌شود یا از آن سو، عدم تناسب بین کارهای زیبایی خودش را خیلی نشان می‌دهد. از بینی‌های نامتقارن که بگذریم، عدم تناسب ابروها با ظاهر جدید بسیار نمود دارد. با افراد زیادی گفت‌وگو داشتم که نمای صورت‌شان بسیار طبیعی نشان می‌داد.

با یکی از خانم‌ها در مطب پزشکی در خیابان آفریقا آشنا شدم که می‌گفت: کار زیبایی نمی‌گویم هزینه‌بردار نیست، ولی بیشتر از هر چیز دقت است و ظریف کاری. خیلی وقت‌ها آدم‌ها خودشان نمی‌دانند چه می‌خواهند و به همین سبب خودشان را به دست پزشک می‌سپارند و پزشک هم هر قدر حاذق باشد بازهم خیلی سخت است بتواند کاری طبیعی انجام دهد.

یکی از پزشکان برای این که بتواند کار طبیعی انجام دهد، به منشی‌هایش سپرده بود که هنگام وقت دادن و حتی یک روز قبل از نوبت ویزیت با بیمار تماس بگیرند و یادآوری کنند عکسی متعلق به ده سال پیش‌شان همراه‌شان باشد.

او می‌گفت: نکته زیبایی این است که ما باید روال پیری را کند کنیم و طبیعی‌ترین ترکیب همان چیزی است که افراد در جوانی‌شان دارند.

او در گفت‌وگو به یک نکته دیگر نیز اشاره کرد و گفت: کسانی که به زیبایی علاقه‌مند هستند، این را باید به بخشی از سبک زندگی‌شان تبدیل کنند. همه چیز جراحی نیست. جراحی خانه آخر است ولی مردم ما بیشتر به جراحی تمایل دارند.

او ادامه داد: مساله این است که افراد اگر در سنین مناسب کارهای پیشگیری انجام دهند، خیلی دیرتر به جراحی نیاز پیدا می‌کنند؛ ولی متأسفانه مردم ما کمتر به سبک زندگی توجه دارند. حتی من می‌خواهم بگویم، زیبایی بیش از هر چیز یک سبک زندگی است و بسیار هم اهمیت دارد. چاقو و بیهوشی در شرایطی که چاره‌ای نباشد شاید بخشی از این فرآیند باشد، اما همه چیز نیست. سبب غذایی خانوار، ورزش، استراحت و تفریح، عدم استعمال دخانیات و نوشیدن الکل، تناسب بین شغل، خانواده و... همه از متغیرهای تاثیرگذار بر زیبایی هستند، اما متأسفانه مردم ما این مسائل را کمتر در نظر می‌گیرند و تنها راه‌حل را در تیغ جراحی جست‌وجو می‌کنند.

پنجره‌ای رو به آینده با زیبایی معنوی و ظاهری

به نظر می‌رسد با روندهای طبیعی زندگی نمی‌توان جنگید. انتقاد صرف از توجه به زیبایی تا کنون که راه به جایی نبرده است، اما به نظر می‌رسد بیشتر خلأ در بی‌توجهی به تمام معیارهای زیبایی است. جوانی، زیبایی و سلامت شاید بزرگ‌ترین سرمایه‌های انسان‌ها باشد که طبیعی است دوست داریم آنها را حفظ کنیم، اما در کنارشان معنویت، اخلاق و رشد درونی بیشتر اهمیت دارد.

وقتی جوانی زیبا باشیم، شاید شغل بهتری بیابیم، ولی در کنار اینها اگر بخواهیم برای جامعه‌مان و صدالبته خودمان مفید باشیم، به توسعه زیبایی‌های معنوی و اخلاقی نیاز داریم و اگر به هر دویشان کنار یکدیگر توجه کنیم، شاید زیبا شویم و زیبایین و زیباگوی و زیباپسند.

افسون گمشده: زیبایی معنوی

به یکی از پزشک‌ها وقتی از پذیرش جراحی بینی‌ام امتناع کرد، گفتم من به اصل «سادگی، زیبایی است» اعتقاد دارم. نگاهی معنادار انداخت و گفت: زیبایی، جادوی روابط اجتماعی است. نمی‌توانم صحبت او را کامل بپذیرم یا رد کنم، اما در هر صورت نکته قابل تاملی است البته مشروط. مشروط به چه؟

دکتر مریم فیضی، از متخصصان حوزه پوست و زیبایی و عضو هیات علمی و استاد دانشگاه تهران است. بیشترین وقتش را در بیمارستان شریعتی و رازی صرف بیمارانی می‌کند که با مشکلات جدی پوست دست و پنجه نرم می‌کنند. شاید همیشه فکر کنیم پوست تنها رشته زیبایی است. حداقل خودم این گونه فکر می‌کردم، اما وقتی او برایم اندکی از برخی مشکلات مانند زخم بستر گفت، تازه دریافتم دنیا به همین سادگی که ما می‌اندیشیم، نیست.

او تنها یک روز در هفته مشاوره پوست در مطبش می‌دهد و بیشتر هم رویکرد درمانی دارد و معتقد به همان اصل سادگی، زیبایی است. او می‌گوید: روال عمر در گذار است. زیبایی خوب است و باید باشد. من خودم جزو اولین کسانی بودم که بوتاکس را وارد ایران کردم. خیلی هم در کارم حساسیت دارم، ولی معتقدم در گذار عمر علاوه بر زیبایی ظاهری باید به چیزهای دیگری نیز اندیشید. گوهر گمشده‌ای که ما همیشه آن را نادیده می‌انگاریم.

او می‌گوید: زیبایی ظاهری، در کنار اخلاق و معنویت موجب تکامل و پیشرفت واقعی می‌شود. در غیر این صورت توجه صرف به زیبایی ظاهری، ارمغانی خاص به همراه نخواهد آورد.

مریم چهاربالش